

## توسعه روستایی و کارآفرینی روستایی در مالزی

### مقدمه

مالزی از کشورهای نسبتاً پرجمعیت آسیایی است که اغلب مردم آن همانند سایر کشورهای آسیایی به فعالیت‌های کشاورزی مشغولند. تا سال ۱۹۵۷ یعنی تا قبل از استقلال، نابسامانی‌های عمده‌ای در اقتصاد این کشور وجود داشت. عدم توجه به بخش کشاورزی و نقش آن در توسعه اقتصادی یکی از علل عمده بروز این مشکلات بود. در این زمان بخش زیادی از مردم مالزی در فقر به سر می‌بردند.

پس از برچیده شدن استعمار از مالزی، اقتصاد این کشور تغییرات ساختاری عمده‌ای را طی حدود ۵ دهه تجربه نمود. اجرای چندین برنامه عمده با هدف ریشه‌کن‌سازی فقر، تاکید و توجه به برنامه‌های توسعه روستایی، رونق بخش کشاورزی و حضور موثرتر دولت در سیاستگذاری‌ها، موفقیت‌های چشمگیری را برای این کشور به ارمغان آورد. نرخ فقر از رقم ۵۲/۴ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۶/۱ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید و تاثیر بحران‌های مالی تا حد زیادی کاهش یافت (۱).

با تاکید بر بخش کشاورزی، میزان صادرات در این بخش از ۱۳/۹ میلیارد رمنی در سال ۱۹۸۰ به ۳۳/۴ میلیارد مبنی در سال ۱۹۹۸ رسید که نشانگر رشدی ۹/۸ درصدی بود (۲).

علاوه بر بخش کشاورزی، گام‌های مهمی نیز در توسعه بخش صنعتی بویژه در روستاها برداشته شد به طوری که سهم صنعت و تولیدات صنعتی در تولید ناخالص ملی در این دوران به میزان قابل توجهی افزایش یافت.

امروز مالزی با سرعت به سمت صنعتی شدن پیش می‌رود. تولید و توزیع محصولات کشاورزی چرخ اقتصاد مالزی را به حرکت در می‌آورد و در کنار آن تولیدات صنعتی راه را برای پیشرفت بیشتر باز می‌کند. چهره فقر در این کشور به تدریج رنگ می‌بازد و مالزی به آینده درخشان‌تری می‌اندیشد.

### توسعه روستایی زیربنای رشد اقتصادی

جمعیت کثیری از مردم مالزی را روستانشینان تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۵۷ (در زمان استقلال) ۷۳/۵ درصد جمعیت این کشور در روستاها زندگی می‌کردند که این رقم تا سال ۱۹۹۵ به ۴۵/۳ درصد کاهش یافت.

با توجه به جمعیت کثیر روستانشینان مالزی اکثر برنامه‌های توسعه اقتصادی مالزی در دهه‌های اخیر با تاکید ویژه‌ای بر توسعه روستایی و کاهش فقر در میان روستاییان تدوین و اجرا شده است. این برنامه‌ها چند هدف اصلی را دنبال می‌کردند:

• ایجاد اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی

• کنترل جمعیت

• توسعه اجتماعی و شهری‌سازی روستاها

• کاهش مهاجرت روستاییان به شهر

• افزایش سطح رفاه روستانشینان

چهار استراتژی عمده برنامه‌های توسعه روستایی عبارت بودند از (۱) :

۱. توسعه کشاورزی

۲. توسعه یکپارچه روستایی

۳. صنعتی نمودن روستاها

۴. توسعه مراکز رشد روستایی

### ۱. توسعه کشاورزی

پس از استقلال مالزی عمده روستاییان آن در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشتند. کشاورزان مالزیایی در آن زمان به دو دسته تقسیم می‌شدند. گروه اول خرده‌مالکان بودند که به کشت و کار محصولاتی چون کائوچو، روغن‌های گیاهی، نارگیل و برنج می‌پرداختند و دسته دوم هم از طریق سایر فعالیت‌های کشاورزی مانند صنایع تبدیلی، مشاغل نیمه‌صنعتی مانند کار در معادن، تولیدات دستی، عملیات ساختمانی، حمل و نقل، و خدمات امرار معاش می‌کردند. در آن زمان اقتصاد مالزی تا حد زیادی وابسته به صادرات دو محصول کائوچو و قلع بود. نیروی کار ارزان، زمین‌های کشاورزی اندک و هزینه‌های اولیه کشاورزی نسبتاً بالا بود و همه اینها باعث رکود در بخش کشاورزی مالزی شده بود.

پس از بر چیده شدن استعمار از مالزی، بی‌توجهی به بخش کشاورزی جای خود را به مشارکت فعال در توسعه کشاورزی داد. در ابتدا و در دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های دولت بیشتر معطوف به توسعه شیوه‌های سنتی کشاورزی بود تا بتواند درآمد روستاییان را افزایش دهد. اما پس از آن "اصلاحات کشاورزی" به‌عنوان کلیدی‌ترین استراتژی در توسعه روستای کشور مورد تاکید قرار گرفت و از آن پس تغییراتی اصولی در ساختار بخش کشاورزی پدید آمد.

با بروز ناآرامی‌های قومی در دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی در نقش دولت در این کشور ایجاد شد. در آن زمان با اثبات ناکارآمدی بخش خصوصی در پیاده‌سازی استراتژی‌های توسعه و توزیع

عادلانه درآمد میان گروهها و بخشهای مختلف، دولت تصمیم گرفت نقش موثرتری در توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. تدوین و اجرای برنامه "سیاستهای نوین اقتصادی" در سال ۱۹۷۰ در همین راستا بود. این برنامه با هدف ریشه‌کن‌سازی فقر و تجدید ساختار اجتماعی در مالزی به مرحله اجرا در آمد. "سیاستهای ملی کشاورزی" نیز در چارچوب همین برنامه و با هدف اتخاذ رویکردی همه‌جانبه در توسعه کشاورزی و ایجاد رشد متوازن در این بخش تدوین شد. از آن زمان به بعد علاوه بر تولید مواد غذایی، تولید محصولات صنعتی نیز مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب با انجام فرایندهایی همچون فرآوری، انبار و حمل مناسب محصولات کشاورزی قبل از صدور، ارزش افزوده بیشتری از محصولات به‌دست آمد. در طی سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ ارزش افزوده محصولات کشاورزی ۴/۶ درصد رشد داشته است (۱). با تاکید بر تولید محصولات صنعتی، سهم محصولات کشاورزی در تولید ناخالص ملی کاهش یافت و از ۲۰/۸ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۱۸/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید. جدول (۱) سهم کشاورزی و صنعت را در تولید ناخالص ملی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد.

جدول ۱. سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی مالزی در دهه‌های اخیر (درصد)

بخش‌های مختلف	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰
کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری	۲۹،۰	۲۲،۹	۱۸،۷	۱۳،۶	۱۰،۵
معدن و ساخت و ساز	۱۳،۷	۱۰،۰۱	۹،۷	۷،۴	۵،۷
ساخت و تولید	۱۳،۹	۱۹،۶	۲۷،۰	۳۳،۱	۳۷،۵
شکار	۳،۸	۴،۶	۳،۵	۴،۴	۴،۸
خدمات	۳۹،۶	۴۲،۸	۴۲،۱	۴۴،۲	۴۵،۷

با تولید محصولات کشاورزی جدید و کیفی، تنوع محصولات در بازارهای داخلی و خارجی افزایش یافت. همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی ۳/۷ درصد در سال بود که رقمی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی در آن زمان به‌شمار می‌رفت. برنامه‌های توسعه یکپارچه کشاورزی از دیگر طرح‌هایی بود که در دوره‌های مختلف در کشور مالزی به اجرا در آمد. این برنامه‌ها برای احیا و توسعه کشاورزی در مناطقی که با فقر زیاد و بهره‌وری پایین دست به گریبان بودند، تدوین شد. یکی از این برنامه‌ها پنجمین برنامه توسعه

یکپارچه کشاورزی بود که در فاصله سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ اجرا شد و بدین ترتیب ۳/۵ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی زیر کشت رفت و در آمد ۲۷۳۹۰۰ خانوار روستایی افزایش یافت. در حال حاضر ۱۷ برنامه توسعه یکپارچه کشاورزی در حال اجراست که از این تعداد ۱۰ برنامه تکمیل شده است. تعدادی از این برنامه‌ها در مقیاسی گسترده و با هدف آبیاری زمین‌های کشاورزی به اجرا در می‌آید تا میزان تولید برنج را تا مرز خودکفایی افزایش دهد. هدف اغلب این برنامه‌ها، افزایش تولید برنج در شالیزارهاست. علاوه بر این، برنامه‌هایی نیز برای کشت سایر محصولات مانند کائوچو، نارگیل و آناناس اختصاص دارد. با اجرای این برنامه‌ها صادرات کشاورزی افزایش یافته است. بخش کشاورزی نسبتاً متنوع‌تر شده است و به سمت تولید محصولات سودآورتری چون روغن‌های گیاهی و قهوه پیش می‌رود. با وجودی که با رشد بخش صنعت، بخش کشاورزی در تولید، ناخالص ملی کاهش یافته، اما با این وجود این بخش هنوز هم به‌عنوان یک بخش مهم اقتصادی در مالزی مطرح است.

برنامه توسعه اینسیتو<sup>۱</sup> از برنامه‌های عمده توسعه کشاورزی در مالزی است. در این کشور حجم زیادی از زمین‌های کشاورزی به‌صورت پراکنده و بدون بهره‌وری اقتصادی وجود دارد، که عامل مهمی در درآمد کم و تولید پایین به‌شمار می‌روند. هدف برنامه توسعه اینسیتو، کاشت مجدد، احیا و تقویت زمین‌های کشاورزی در مناطقی است که با معضل فقر و تولید پایین مواجهند. با اجرای این برنامه و طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ در مجموع ۴۸۳۱۰ هکتار زمین کشاورزی احیا شده و زیر کشت محصولات متنوع قرار گرفتند.

## ۲. توسعه یکپارچه روستایی

توسعه کشاورزی به تنهایی نمی‌توانست رشد اقتصادی را در کشور تضمین کرده و فقر را در این کشور ریشه‌کن سازد و توجه به سایر بخش‌ها نیز در کنار بخش کشاورزی ضروری به نظر می‌رسید. با توجه به این نکته، از زمان استقلال کشور تاکنون برنامه‌های متعددی با هدف توسعه روستایی در این کشور به اجرا در آمده است. نخستین برنامه‌های توسعه روستایی در مالزی در فاصله سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۵ و با هدف سازماندهی مجدد و توسعه فعالیت مراکز توسعه روستایی اجرا شد. با پیاده‌سازی این برنامه‌ها، فعالیت مراکز توسعه روستایی هماهنگ شده و گسترش یافت. علاوه بر این سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) در سال ۱۹۷۱ استراتژی توسعه یکپارچه روستایی را تدوین و به اجرا در آورد. این استراتژی پس از مدت کوتاهی از سوی موسسات خیریه و مراکز اعطای وام مورد حمایت قرار گرفت.

تدوین یک استراتژی بلندمدت برای توسعه، همراه با تامین مواد اولیه و زیرساخت‌های اساسی، از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه یکپارچه روستایی است. در استراتژی جامع توسعه روستایی بر اجرای پروژه‌هایی تاکید می‌شود که تاثیر بیشتر و سریع‌تری دارند و برنامه‌های توسعه روستایی در سطح خرد را با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری به هم پیوند می‌دهند. این برنامه‌ها در چارچوب طرح عمده دولت یعنی "سیاست‌های نوین اقتصادی" طراحی شد و اهداف آن عبارت بودند از:

۱. حمایت از مدرنیزه کردن بخش روستایی از طریق توسعه روش‌های جدید تولید
۲. ارائه خدمات حمایتی، تامین اعتبار و بازاریابی
۳. تشویق روستاییان به مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در بخش کشاورزی
۴. تشویق روستاییان به راه اندازی صنایع روستایی، اجرای پروژه‌های تجاری و

#### توسعه خدمات شهری

مراکز توسعه روستایی امروزه نقش مهمی را در توسعه روستاها ایفا می‌کنند. برنامه‌های آموزشی متنوعی از سوی این مراکز و با حمایت دولت برای روستاییان برگزار می‌شود. هدف از این برنامه‌ها پر کردن شکاف موجود میان جوامع شهری و روستایی است. از جمله این آموزش‌ها در زمینه کاربرد رایانه و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسط روستاییان است. در این زمینه مراکز توسعه روستایی با آموزش مربیان کارآمد و ارائه خدمات نقش موثری در توسعه مهارت‌های روستاییان دارند (۳).

تدوین یک استراتژی بلندمدت برای توسعه، همراه با تامین مواد اولیه و زیرساخت‌های اساسی، از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه یکپارچه روستایی است. در استراتژی جامع توسعه روستایی بر اجرای پروژه‌هایی تاکید می‌شود که تاثیر بیشتر و سریع‌تری دارند و برنامه‌های توسعه روستایی در سطح خرد را با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری به هم پیوند می‌دهند.

#### ۳. صنعتی‌سازی روستاها

صنعتی نمودن روستاها در اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد تاکید توجه قرار گرفت و چهار محور اصلی در این برنامه‌ها در نظر گرفته شد:

۱. تهیه فرآورده‌های اولیه از محصولات خام کشاورزی مانند آسیاب کائوچو و دانه‌های قهوه.
۲. توسعه فعالیتهای سنتی و صنایع دستی همچون طراحی روی پارچه، زنبیل‌بافی، سفالگری، حکاکی روی چوب و نقره.

۳. تولید محصولات برای بازارهای محلی مانند پختن نان و کیک، تهیه پوشاک و لوازم منزل و بلوک‌های آجر و سیمان.

۴. تعمیر خودرو و لوازم الکتریکی در منزل  
دولت مالزی سرمایه زیادی را صرف اعطای وام و کمک هزینه، ارائه خدمات مشاوره‌ای، توسعه کارآفرینی، برگزاری دوره‌های آموزشی و ایجاد تسهیلات زیرساختی برای توسعه صنعتی‌سازی کرده است.

این برنامه‌ها فراتر از حوزه صنایع خانگی و دستی است و تنها به روستاها نیز محدود نمی‌شود.

برنامه‌های صنعتی‌سازی بر حوزه‌های زیر تاکید دارد:

۱. انتقال فناوری پایین و متوسط
۲. تاکید بر صنایع مبتنی بر منابع
۳. توجه به بازارهای محلی
۴. تاکید بر فعالیت‌های مرتبط با گردشگری

#### ۴. توسعه مراکز رشد روستایی

این مراکز، شامل تعدادی از روستاهای محلی است که در اطراف یک روستای مرکزی قرار گرفته و جمعاً یک واحد اقتصادی مستقل را تشکیل می‌دهند. یک مرکز رشد روستایی از تسهیلات ضروری و زیرساخت‌هایی همچون مدرسه، بازار مراکز درمانی، و امکانات رفاهی مانند آب و برق تشکیل شده است.

مراکز رشد روستایی چند هدف اصلی را دنبال می‌کنند:

۱. ریشه‌کن سازی فقر
  ۲. حصول اطمینان از توسعه متوازن میان شهر و روستا
  ۳. بهبود کیفیت زندگی روستاییان
  ۴. ایجاد ارتباط موثر میان مناطق روستایی و شهرهای مجاور آنها
- در مراکز رشد روستایی، صنایعی در مقیاس‌های کوچک وجود دارند که به فعالیت‌ها و خدمات غیرکشاورزی می‌پردازند. هدف این مراکز، شهری‌سازی روستاها، تجاری‌سازی کشاورزی، مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و ایجاد فرصت‌های رشد برای حوزه‌های روستایی کشور است (۱).

## کارآفرینی و اشتغال در روستاهای مالزی

در زمان استقلال مالزی اغلب روستانشینان که بخش کشاورزی به کار اشتغال داشتند، اما پس از آن با تاکید دولت بر فعالیتهای صنعتی، بخشی از جمعیت روستایی به فعالیتهای صنعتی پرداختند. با اجرای برنامههای صنعتی سازی روستاها که بخش عمدهای از فعالیتهای آن به توسعه کارآفرینی روستایی، اختصاص داشت، گامهای موثری در جهت توسعه اشتغال برداشته شد. در این برنامه با ارائه خدمات مشاوره و نیز برگزاری دورههای آموزشی، روستاییان به راهاندازی کسب و کارهای غیرکشاورزی تشویق می شدند. توسعه مراکز رشد روستایی و گسترش فعالیتهای صنعتی در این مراکز نیز فرصتهای جدیدی را برای انجام فعالیتهای غیرکشاورزی در اختیار روستاییان قرار داد. با این وجود هنوز هم کشاورزی منبع عمده اشتغال در این کشور است. از کل میزان اشتغالی که در سال ۱۹۹۹، ایجاد شد، ۴۵/۳۸ درصد در روستاها و از آن رقم ۰/۳۷ درصد در بخش کشاورزی بود (۲).

### منابع:

1. Fatmah Mohd Arshad & et all, " Rural Development Model In Malesia", 1997
2. National Study : Malasia,
3. Rural Developmet Institute

(کلیه حقوق مادی و معنوی این سند، که بخشی از یک گزارش مفصل می باشد، متعلق به سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان می باشد)